

بسم الله الرحمن الرحيم

چه آموختن؟ و چگونه آموزاندن؟ از اساسی ترین سوالات عرصه‌ی تعلیم و تربیت اند که تا کنون افراد فراوانی سعی در ارائه‌ی پاسخی مناسب به آن‌ها داشته اند.

آن چه مسلم است اگر برای رسیدن به پاسخ این سوالات دنبال راه چاره ای مناسب هستیم لازم است الگویی کارا و مفید را کشف و ارائه کنیم که در آن مسیر تعلیم و تربیت به درستی ترسیم شده باشد.

گذشته‌ی تربیت در ایران گویای این مطلب است که اگر چه تا کنون برای حل مشکلات تعلیم و تربیت تلاش‌های فراوانی صورت گرفته ولی هرگز نتیجه‌ای مطلوب عاید نشده است تا جایی که کارشناسان امر این گونه زبان به اقرار گشوده اند که:

« نظام نوین تربیت در کشور ما طی مراحل بنیانگذاری، توسعه و حتی به هنگام تلاش برای ایجاد تحول بنیادی در آن، تا کنون بر مبنای نظری مشخص، مدون، بهره مند از دستاوردهای معتبر علمی، متکی بر نظام فکری و ارزشی اسلام، هماهنگ و سازگار با خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و بومی کشور استوار نبوده است.

از این رو تلاش‌های انجام یافته طی چند دهه اخیر برای اصلاح و تحول جریان تربیت - خصوصاً نظام تربیت رسمی و عمومی (=آموزش و پرورش) - با وجود مساعی قابل تقدیری که در این خصوص به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفته اند، کم و بیش با مشکلات متعددی مواجه می باشند که اهم آنها عبارتند از:

- مغایرت و ناسازگاری نسبی با مبانی و ارزش‌های اسلامی و تعالیم تربیتی اسلام^۱
- بی توجهی به مقتضیات فرهنگی و ملی جامعه اسلامی ایران
- عدم توانایی پاسخگویی نظام تربیت رسمی به نیازهای فردی و اجتماعی متریبان
- عدم تعامل اثربخش نظام تربیت رسمی با سایر بخش‌های فرهنگی و اجتماعی
- فقدان جامع نگری و دچار شدن به یک سو نگری، اصلاحات جزئی و بخشی و حتی تغییرات صوری در فرایند سیاستگذاری و برنامه ریزی و اجرا
- فقدان ارتباط معنا دار و هم سویی میان کوشش‌های انجام یافته با یکدیگر و در نتیجه وجود ناهماهنگی و (حتی) ناسازگاری آشکار بین سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاحی در بخش‌های گوناگون و زمان‌های مختلف
- ضعف ارتباط مشخص با سیاست‌ها و آرمان‌های توسعه همه جانبه در چشم انداز دراز مدت کشور^۲

نیک می دانیم که ماندگارترین تعالیم در سنین کودکی رخ خواهد داد^۳، پس منطقی است که اهل فن در مهندسی مسیر تربیت در این مقطع، حساسیت‌های ویژه‌ای از خویش بروز دهند.

متخصصین تربیت کودکان خصوصاً مربیان مدارس ابتدایی همواره در ذهن خویش به دنبال یافتن پاسخ برخی از سوالات جدی بوده اند. مثلاً:

۱. رک به: سند ملی آموزش و پرورش، کتاب فلسفه تربیت، پیش گفتار

۲. در پیشینه علمی و فرهنگی ما از گذشته‌های دور واژه "تربیت" شامل تمام ابعاد و جنبه‌های فرآیند زمینه ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی بوده و لذا نیاز به واژه تکمیل کننده ای مانند تعلیم ندارد. مفهوم تربیت در بر دارنده و جامع تمام اجزا و عناصر مرتبط با این فرآیند (مانند تعلیم، تزکیه، تادیب، تدریس و مهارت آموزی) است. همان گونه که در منابع تربیتی غرب واژه (Education) در بر دارنده تمام وجوه و ابعاد این جریان است. لذا تفکیک این امر واحد به دو جریان متمایز مانند: "آموزش" و "پرورش" و یا "تعلیم" و "تربیت" مشکلات نظری و عملی فراوانی را پیش می آورد. **براین اساس در این مجموعه، "تربیت" به عنوان امری جامع، شامل تمام فرایندهای زمینه ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی در نظر گرفته شده است که به عنوان امری واحد و یکپارچه، با تمام ابعاد وجودی انسان، به مثابه یک کل، سروکار دارد.** بدیهی است که هر یک از فرایندهای زیرمجموعه این عنوان جامع، نمی توانند در عرض آن مطرح شده و یا به عنوان رقیب آن تلقی شوند. آنچه باید رخ دهد همانا تربیت است اما با ابزارها و روشهای متفاوت. به بیان دیگر مراد از "تربیت" در این مجموعه، مفاد همان اصطلاح مرکب "تعلیم و تربیت" است که به غلط رایج شده و کاربرد فراوان یافته است.

۳. بر اساس آنچه در زیر نویس قبل آمده است، در این نوشتار اصطلاح "تربیت رسمی و عمومی" معادل اصطلاح رایج ولی نارسای "آموزش و پرورش" در نظر گرفته شده است (به استثناء موارد نقل قول مستقیم یا اشاره به عناوین و قوانین مصوب که برای حفظ امانت بناچار از اصطلاح رایج بهره برده ایم). البته جهت انتخاب معادلی برای اصطلاح "آموزش و پرورش" متناسب با دیدگاه حاکم بر فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، از فرهنگستان زبان و ادب فارسی، درخواست شده تا واژه فارسی رسا و مناسب تری را برای این بخش از جریان تربیت برگزیده و تعیین نماید.

۴. هر چند این مفاهیم و ناسازگاری از شکل آشکار آن در نظام آموزشی پیش از انقلاب، با مساعی ارزشمندی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای تهذیب نظام تربیت رسمی (در سطح آموزش و پرورش و آموزش عالی) از مظاهر و آثار ضداسلامی یا غیر اسلامی انجام گرفته اند، تبدیل به صورتی پنهان و ظریف گشته که تنها با تحلیل عمیق و بنیادی نظام فعلی تربیت رسمی و برنامه‌های آن توسط اندیشمندان تیزبین، قابل درک و تصدیق می باشد بدیهی است که رفع این گونه ناسازگاری مستلزم ایجاد تحول اساسی و بنیادی در این نظام (ونه اصلاحات صوری، جزئی و مقطعی در آن) می باشد که به نظر می رسد چنین تحولی در بیانات اخیر مقام معظم رهبری (دام ظلّه) مورد نظریه بوده است.

۵. العلم فی الصغر، کالقش فی الحجر (پیامبر اکرم ص)

- چرا انگیزه‌ی تحصیل در دانش آموزان پس از گذشت مدتی ، دچار افت می‌شود ؟
- چرا کودکان بدون تشویق و تنبیه وظایف خود را انجام نمی‌دهند ؟
- چرا ایشان با نشاط در مدرسه حاضر نمی‌شوند و اساساً مدرسه خوشایندشان نیست ؟
- چرا اکثر کودکان در شناخت و به کارگیری توانمندی‌هایشان دچار ضعف اند و خود را وابسته به اولیای خویش می‌دانند ؟
- چرا کودکان از پس حل مسائل روزمره‌شان بر نمی‌آیند ؟

و چندین چرای اساسی دیگر که همواره بر دشواری‌های کار معلمان افزوده و باعث افت کیفیت کارشان شده است .



بر خلاف گذشته، حیطه آموزش به علت پیشرفت علم و تکنولوژی، به حدی گسترده شده، که نه کسی می‌تواند علوم مختلف را آموزش دهد و نه کسی ادعا می‌کند آگاه به علوم و حرفه‌های گوناگون است . اگر در زمانی یادگیری به معنای کسب دانش و مهارت بود امروزه یادگیری، توان فرد در حل مسایل آموزشی و پرورشی می‌باشد. کسب علوم و فنون در دنیای پیچیده امروز، نیاز به روشهای آموزشی نوین به جای روشهای آموزشی سنتی و غیر کارآمد دارد. به همین جهت وظیفه دست اندرکاران تعلیم و تربیت به خصوص معلمین که در خط مقدم هدایت شاگردان به سوی کمال و رشد قراردارند، سنگین تر شده است. اما انتقال از روش تدریس سنتی به روش های نوین تدریس به سادگی امکان پذیر نیست. زیرا مسئولین آموزش و پرورش، مدیران ، معلمین و والدین عموماً بدنبال روش هایی هستند که خود با آن خو گرفته و پرورش یافته اند. آن ها آمادگی کمی برای تحول و ایجاد روشهای جدید تدریس دارند، زیرا روش تدریس نوین به علت نو بودن مسیر، مستلزم تحمل پیامدهای مبهم و عواقب نامشخص می‌باشد و قبول چنین ریسک و خطری خارج از توان بسیاری از افراد است. این محافظه کاری ها باعث شده تا نظام آموزشی ما فاصله زیادی بین وضع موجود و وضع مطلوب در نظام تعلیم و تربیت اسلامی داشته باشد. گریزان بودن دانش آموزان از مدرسه، دلهره امتحان، بی رغبتی معلمان و یکنواختی جلسات تدریس مصادیقی از نتایج روش سنتی تدریس است.

عوامل متعددی در گذر از نظام سنتی به نظام فعال موثر می‌باشد که یکی از مهمترین آنها، تغییر روشهای تدریس معلمین است. عشق و علاقه معلمین به رسالت واقعی خویش، رشد شخصیت معنوی و حرفه ای در آنان، آگاهی آنان از روشهای تعلیم و تربیت و علوم وابسته، شناخت عمیق شاگردان و اتخاذ روشهای تدریس متناسب با ویژگی آنها، ایمان به استعدادهای خدادادی نهفته در شاگردان و تلاش برای شکوفایی آنان و تبدیل محدودیت های موجود در نظام آموزشی به فرصت ها، نمونه ای از قطعات پازلی است که با چینش صحیح آنها روشهای خشک تدریس به روش فعال و پویا تبدیل می گردد. ما باید در فعالیتهای آموزشی به این باور قلبی برسیم که وظیفه ما تنها انتقال یافته های دیگران به شاگردان نیست بلکه « ایجاد موقعیت مطلوب یادگیری»، « آموزش چگونه اندیشیدن و تقویت خودیادگیری»، « تفکر نقاد»، « زمینه سازی برای کسب تجارب صحیح»، « رشد



اعتماد به نفس و عزت نفس»، « پرورش روحیه ی مشارکتی و گروهی » و « آموزش مهارتهای زندگی» از جمله رسالت‌های مهم معلمین است.

علی رغم وجود حجم قابل توجه منابع اطلاعاتی که در اختیار بشر قرار دارد، متأسفانه در زمینه ی چگونگی استفاده و پردازش صحیح آنها در ذهن، کار قابل توجهی نشده است. بر این اساس است که روش های تدریس مرسوم که فقط ناقل علوم است، کارایی لازم را ندارند.

موسسه فرهنگی، آموزشی هدایت میزان در حالی به عنوان نهادی خودجوش، با حضور بعضی از مجربین عرصه ی تعلیم و تربیت شکل گرفت، که از بدو تاسیس، ارائه ی پاسخهایی جامع و موثر برای این معضلات را رسالت خویش دید. این مجموعه در سال ۱۳۷۶ با تاسیس دبیرستان کار خود را رسماً آغاز نمود و پس از آن در سال ۱۳۷۹ با افتتاح مقطع راهنمایی حوزه ی خدمت خویش را گسترش داد.

اما هر چه می گذشت اهمیت کار ریشه ای و بنیادین برای مسئولین مدرسه پررنگ تر می شد، چرا که مربیان هنگام کار با دانش آموزان گاهاً به مشکلاتی برمی خوردند که ریشه در گذشته ها داشت. تا جایی که علی رغم سختی های فراوان اجرایی، - با استعانت از درگاه الهی و توسل به مقربین درگاهش - تصمیم بر تاسیس مقطع دبستان گرفته شد.

در سال ۱۳۸۳ نهال دبستان میزان در غرب شهرتهران کاشته و در مهر ماه همان سال با باران لیخندهای نوآموزان پیش دبستانی و کلاس اولی، برای نخستین بار آبیاری شد.



این موسسه تلاش کرده است تا از کاستیها فرصت سازی نماید و با در نظر گرفتن چارچوب کلی نظام آموزشی از روش تدریس پیشرفته یادگیری اکتشافی که بر پرورش تواناییها بنا شده، در آموزش استفاده کند. دست آوردهای این تلاشها مجموعه ای از تجارب دلسوختگان عرصه تعلیم و تربیت و با استفاده از مبانی علمی موجود در حیطه مباحث علوم تربیتی و با تأکید بر کاربرد آنها با توجه به زمینه فرهنگ اسلامی و ایرانی است. روش غالب در این مدرسه براساس یادگیری اکتشافی هدایت شده است. در این روش شاگرد، محور و مرکز ثقل فرایند یادگیری است. در این روش یادگیرندگان تشویق می شوند تا به کمک پرسشها و راهنمایی های معلم به درک و فهم مطالب برسند. این شیوه به یادگیرندگان هم استقلال و هم مسئولیت لازم برای کشف مفاهیم و برقراری ارتباط بین آنها داده می شود. معلم به جای اینکه پاسخگوی تمام سوالهای شاگردان باشد، زمینه مناسب را فراهم کرده تا آنان خود به پاسخ لازم برسند. ایجاد مهارتهای خوب درک کردن مانند خوب دیدن، شنیدن و لمس کردن، جمع آوری داده ها، فرضیه سازی، آزمایش فرضیه ها، نتیجه گیری و انتقال مطالب در موقعیت های جدید از عناصر مهم روش یادگیری اکتشافی است. در چنین رویکردی شما دانش آموز را به مثابه دانشمند کوچکی در نظر گرفته اید که قادر است مشکلات خود را (اعم از علمی، مهارتی، ارتباطی، عاطفی و ..) حل کند و راه را برای فعال و مؤثر بودن در آینده فراهم می کند. یادگیری او عمقی و در سطوح عالی شناختی است که با توجه به نیازهایش، کاربردی می شود.

این دبستان از همان ابتدا با این شیوه ی نوین و با حرفهایی تازه که نشأت گرفته از علم و تجربه و تدبیر مربیان و طراحان آموزشی خویش بود کار خود را آغاز نمود و موفق شد الگویی مناسب را در عرصه ی عمل ارائه کند که به اذعان بسیاری از مخاطبان^۷، نتایجی خیره کننده به همراه داشته است.

دانش آموزان این مدرسه در عین اینکه احساس آزادی زیادی دارند ، بسیار هم منظم اند . آن‌ها برای یادگیری خود را مجبور نمی‌بینند و به نیکی یافته اند که خود مسئول کارهایشان هستند . این امر احساس مسئولیت را در ایشان بالا برده تا جایی که بدون نیاز به تشویق و تنبیه و یا تذکرات اولیا و مربیان به انجام وظایف خویش می‌پردازند .

دانش آموزان دبستان میزان عاشق مدرسه‌شان هستند و از بودن در آن احساس آرامش می‌کنند به حدی که تعطیلی مدرسه برایشان خوشایند نیست .

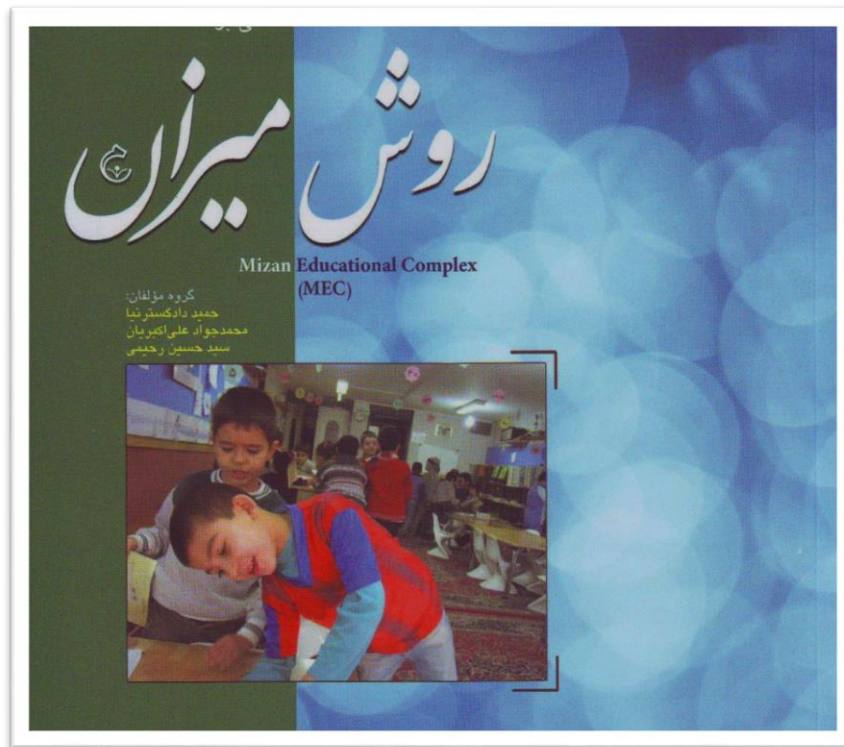


دبستان میزان برای نیل به اهداف خود ، جنبه های گوناگونی^۸ را مد نظر قرار داده و با رعایت «اصول» یازده گانه ی خویش، روش خود را منقح ساخته و راهکارهای آن را تبیین نموده است .

اصول مورد اشاره عبارتند از :

- ۱- اصل یادگیری اکتشافی .
- ۲- اصل توجه به تفاوت های فردی .
- ۳- اصل آزادی عمل حداکثری .
- ۴- اصل کار گروهی .
- ۵- اصل شادابی و نشاط .
- ۶- اصل عزت فردی .
- ۷- اصل درونی کردن انگیزه ها (مسئولیت پذیری) .
- ۸- اصل تقید به ارزشهای دینی و انقلابی و التزام به مناسک مذهبی .
- ۹- اصل خلاقیت .
- ۱۰- اصل کشف استعدادهای نهفته .
- ۱۱- اصل هویت ملی .

در این دیدگاه تربیت در ۵ حوزه تعریف می شود که با رعایت ۱۱ اصل فوق دست یافتنی خواهد بود. این حوزه ها عبارتند از: «حوزه ی اخلاقی - معنوی»، «حوزه ی آموزش علوم»، «حوزه ی اجتماعی - ارتباطی»، «حوزه ی عاطفی»، «حوزه ی بدنی بهداشتی». کتاب «نگاهی بر روش میزان» که در طی سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ در شورای تدوین دبستان میزان، تدوین و



منتق گردید که به تبیین این شیوه ی آموزشی پرداخته است تا بستری مناسب برای مراجعه ی علاقمندان باشد.

اعضای این شورا عبارتند از آقایان: (حمید دادگستر نیا)، (محمدجواد علی اکبریان)، (سید حسین رحیمی) که البته در این طرح همگی همکاران دبستان میزان مشارکت فعال داشته اند که لازم است از تمامی معلمین ارجمندی که در شکل گیری این روش سهم داشته و در طول سنوات گذشته، سختی های فراوانی را بر خود هموار ساخته اند و نیز اساتید عزیزی که در تدوین و بازنگری این شیوه ی آموزشی ما را از نظرات ارزشمند خویش بهره مند ساخته اند، صمیمانه تشکر نماییم. اساتیدی چون آقایان: (دکتر علی اصغر احمدی)، (دکتر علیرضا قویدل)، (حجه الاسلام محسن علی اکبریان)، (دکتر محمدرضا نیلی)، (دکتر بهروز نظری)، (استاد مهدی یزدانیان)، (جناب آقای سید مهدی فاطمی).

لازم به ذکر است که توانایی های علمی، مهارتی و عاطفی دانش آموزان این مدرسه توسط برخی افراد متخصص از جمله: جهاد دانشگاهی تهران به سرپرستی آقای دکتر بهروز نظری و چند پایان نامه ی دانشجویی، نسبت به مدارس غیر دولتی تهران سنجیده شده که نتایج حاصل از این تحقیقات گویای موفقیت های بالای این روش در دست یابی به اهداف تعلیم و تربیت است. ما حاصل این تحقیقات با ارائه ی آمار دقیق، در قالب کتاب های پیوست همراه کتاب روش میزان قابل مراجعه می باشند.

حال از آنجا که هر عایدی را زکاتی است و زکات علم هم نشر آن است . این موسسه وظیفه‌ی خویش می‌داند این الگوی عملی را ، در اختیار مسئولین ، کارشناسان و مربیان عزیز قرار دهد تا از آن در راه اعتلای فرزندان این مرز و بوم بهره‌برند .



در همین راستا : کتاب روش میزان ، دوره‌ی آموزشی تربیت مربیان ، دوره‌ی آموزشی تربیت والدین ، فیلم های آموزشی و ... جهت معرفی و استفاده‌ی علاقمندان تدوین و آماده شده است .
لذا از کارشناسان ارجمند ، مربیان زحمتکش و سایر علاقمندان دعوت به عمل می‌آید برای کسب آگاهی بیشتر نسبت این شیوه یا استفاده از خدمات مذکور با دفتر توسعه‌ی روش میزان ، تماس حاصل فرمایند .

باشد که مورد قبول صاحب واقعی کار قرار گرفته و مؤثر افتد .

با تشکر

تلفن : 0912 – 101 89 17